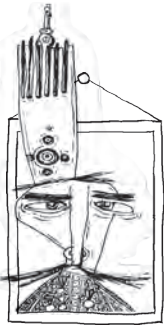


وصیت‌نامه‌ی  
شاه وزوزک خان

به یگانه فرزندش ملوس السلطنه

به روایت معطل الدوله



سولماز خواجه‌وند

## هوش و درایت

فرزندم حالا که به دو راهی تفریق رسیده ایم و ما را جز جدایی چاره نباشد، پای مبارک‌مان را از بیخ گلویت برداشته، دست از سرت بر نهیم و وصایا به آخر رسانیم.

فرزندم، آن‌چه باید می‌گفتم تا نیک دانی و جامه‌ی عمل پوشانی در چهارشنبه‌های پیشین تو را گفتم. باری این میانه حرف آخر حساب و کتاب باشد که نباید نقد گردد، اگر نه مرا با تو یقه‌ها و سقلمه‌ها و تپانچه‌هاست.

حساب و کتاب‌ها به قرار زیر باشد. تو خود با هوش و درایت پدرذاتی‌ات حساب را پاک کن.

اول: قمقمه خان مش‌مش مشو معروف به معطل‌الدوله! همه‌روزه کارش همه این بود که آله‌های ما را ربوده کنج لپش مخفی نماید.

دوم: هم‌شیره‌ی معطل‌الدوله معروف به عمه لیلا سمنو پز هر صباح یک بار دق‌البابی بکرده سبب‌زمینی‌ها بگرفته، هر یک قد هندوانه و شام‌گاهان پس آورده قد تخم کفتری!

سوم: ابوی معطل‌الدوله معروف به عمو زنجیر باف را خوب گوش‌مالی ده که میر غضب ما را زنجیرها بفروخت، چنان‌که به انجیر بیش‌تر ماند تا زنجیر!

چهارم: پدر معطل‌الدوله متخلص به بابانگ‌دراز اکتور سینما باشد، با قدی کشیده و موی بلند و چشمانی آبی هر چه کردیم، ما را رولی دهد در پرده‌ی جادو، نداد که نداد.

ششم: فرزند ذکورش ملقب به پسر شجاع نیز از قماش عمو باشد.

هفتم: خاله‌ی ایشان منسوب به آش کشک! ایشان آشپز بوده و در آشپزی ید طولایی داشته، چنان‌که آش‌ها پزد کم حبوبات پر کشک! ما را با ایشان حساب نباشد مگر هفته‌ای یک بار دیگ آشی!

هشتم: جاری ایشان متخلص به آب! چنان‌که از نامش پیداست ایشان هر دم و بازدم یک بار سری بر کاخ همایونی ما می‌زدند بلکه دل کسی برای‌شان تنگ نگشته. به وقت رفتن کاسه آبی محیا کرده پشت خویش ریخته که زودتر مراجعت نماید.

نهم: عمه‌زای ایشان منسوب به زنگوله! این یکی را خفه گر نکردی له کن! حساب شخصی داریم ایشان را.

دهم: عمه‌ی ایشان معروف به جون عمه‌ات! ایشان از قسم‌های روزگار بوده! چنان‌که در کاری و باری نیاز بر قسم داشتی اول جان عمه‌ات را قسم یاد کن! یادش گرامی و روحش شاد!

این بود حساب و کتاب‌های ما در آخرین وصیت‌نامه. پس، از هم اکنون بکوش تا حساب پاک گردانی و مردمدار باشی!

تو را به خودت و خودت را به تو می‌سپاریم!

شاه وزوزک خان

چهارشنبه، بیست و پنجم تیر، سال ۱۳۹۳

شمسی

به فرزندش ملوس السلطنه

## قصه گوی جوجه‌ی اردک‌های زشت



شاید خیلی‌ها «هانس کریستین اندرسن» را نشناسند اما خیلی بعید است که کسی حتی برای یک بار هم که شده داستان‌های او را نخوانده یا نشنیده باشد. مگر می‌شود کسی از زندگی جوجه اردک زشت و پادشاهی که می‌خواست بهترین لباس دنیا را داشته باشد، چیزی نشنیده باشد؟ هانس کریستین اندرسن، نویسنده، شاعر و هنرمند دانمارکی است که در سال ۱۸۰۵ در شهر اودنسه به دنیا آمد.

پدر اندرسن کفاش بود و تحصیلات بالایی نداشت. با این حال به خواندن داستان و نمایشنامه علاقه‌مند بود و بسیاری از داستان‌هایی را که می‌خواند برای هانس بازگو می‌کرد.

هانس در کودکی‌اش با قصه‌های «هزار و یک شب» آشنا شد و به خاطر زندگی سختی که داشت در سن ۲۴ سالگی مدرسه را به پایان رساند.

اولین کتاب او «گزارش یک پیاده‌روی» در سال ۱۸۲۹ منتشر شد. هانس آدم‌هایی را که دوست داشت یا از آن‌ها متفرد بود در قالب شخصیت‌های مختلف در داستان‌هایش به کار می‌برد.

هانس کریستین اندرسن در طول عمر خود ۱۵۷ قصه و داستان، ۸۰۰ قطعه شعر، ۴ زندگی‌نامه، چند سفرنامه منتشر کرده و داستان‌هایش به ۱۵۰ زبان ترجمه شده است.

انیمیشن‌های زیادی از روی داستان‌های او ساخته شده‌اند. مثلاً انیمیشن پری دریایی کوچولو (Little Mermaid) از روی داستان «پری دریایی کوچولو» و انیمیشن یخ‌زده (Frozen) از روی داستان «ملکه

برفی» ساخته شده است. برای بزرگداشت تلاش‌های او، جایزه‌ای جهانی به نام جایزه‌ی هانس کریستین اندرسن (IBBY) به بهترین نویسندگان و تصویرگران کتاب‌های کودکان و نوجوانان داده می‌شود.

برفی» ساخته شده است. برای بزرگداشت تلاش‌های او، جایزه‌ای جهانی به نام جایزه‌ی هانس کریستین اندرسن (IBBY) به بهترین نویسندگان و تصویرگران کتاب‌های کودکان و نوجوانان داده می‌شود.

«... و حالا آزادانه و با خیال راحت به طرف چیزی برو که در تمام طول روز و با تمام وجود از انجام دادنش احساس خوبی داری.»

این جمله‌ای است که «چستر» به بغل‌دستی خود، «جو» که تنبل‌ترین و دست‌وپاچلفتی‌ترین شاگرد کلاس‌شان است، می‌زند. «جو» در همه چیز افتضاح است. حتی در نوشتن املائی کلمات. او نمی‌تواند حتی یک کلمه را بدون ایراد بنویسد و فکر می‌کند به هیچ دردی نمی‌خورد. چستر این موضوع را می‌داند. به خاطر همین است که پروژه درسی‌اش را «چطوری خیلی بدخط بنویسیم» انتخاب می‌کند. پروژه‌ای که جو را به یک نابغه تبدیل می‌کند. چون او واقعا بدخط می‌نویسد. البته فقط همین‌ها نیست! چستر با این‌که گاهی اعصابش از کارهای جو خرد می‌شود و حوصله‌اش از تنبلی‌ها و بی‌دقتی‌های او سر می‌رود، آرام آرام متوجه می‌شود که جو توانایی‌هایی دارد که هیچ‌یک از شاگردان مدرسه ندارد. او متوجه می‌شود جو می‌تواند با وسایل دورریختنی ماکت‌های بی‌نظیری بسازد. مثلاً با لیوان‌های یک بار مصرف آدم فضایی بسازد و خیلی چیزهای دیگر.

در دنیا چند نفر مثل چستر هستند که استعداد‌های دوست‌شان را شناسایی و به او کمک کنند تا خودش را باور کند؟ این کار فقط از یک دوست واقعی مثل چستر برمی‌آید. او در طول داستان به جو کمک می‌کند که توانایی‌ها و استعداد‌هایش را باور کند. قرار نیست همه‌ی آدم‌ها درس‌خوان باشند و نمره‌های طلایی بگیرند، هرکسی می‌تواند در توانایی‌های فردی خودش منحصر به فرد باشد. با کمک‌های چستر است که جو جایزه‌ی بهترین ماکت دست‌ساز کلاس را برنده می‌شود و در کنار همه‌ی این‌ها او به درس‌خواندن و مدرسه‌بیش از پیش علاقه‌مند می‌شوند.

«جو» و «چستر» شخصیت‌های کتاب «چطوری خیلی بدخط بنویسیم» نوشته‌ی آن فاین است که توسط نشر پیدایش منتشر شده. این کتاب برنده‌ی مدال کارنگی، برنده‌ی جایزه کتاب کودک گاردین و پنج جایزه‌ی دیگر شده است.

معرفی کتاب

تنبل‌ترین شاگرد کلاس  
نابغه است!

